

بررسی نقش مبلمان شهری در ارتقا کیفیت فضاها و سیمای شهری

سینا حاجی حسینلو

دانشجوی کارشناسی مهندسی شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، ایران

چکیده

پژوهش حاضر در رابطه با نقش مبلمان شهری در ارتقاء کیفیت فضاها و سیمای شهری میباشد. سوال تحقیق این است که آیا مبلمان شهری در ارتقاء فضاها و سیمای شهرها تاثیرگذار است؟ مبلمان شهری امروزه از اجزای جدایی ناپذیر یک شهر می باشد. خصوصیات مهم اجزای مبلمان شهری وابسته بودن آنها به فرهنگ است. اینکه هر کدام از مبلمان شهری را در کجا قرار بدهیم و این چیدمان چقدر با استانداردهای تکنیکی که در فضای عمومی بکار می بریم، مطابقت دارد خود نگرشی که باید مورد تأمل قرار گیرد. در طراحی شهری، چگونه میله کردن فضاهای شهری از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ مبلمان شهری به عنوان وسایلی که در فضای شهری نصب شده و استفاده عمومی دارند، می توانند به فضای شهری سرزندگی ببخشند و به عنوان یکی از راهکارهای شهرسازی پایدار به شمار روند، با این هدف که کیفیت فضای شهری و سیمای شهری را بهبود بخشیده و نیازهای انسانی را بر طرف نمایند، بنابراین مبلمان شهری به عنوان عامل موثر در ارتقا کیفیت محیط شهری حائز اهمیت می باشد. در این راستا زیبا سازی یکی از عوامل مهم مبلمان شهری است که با طراحی مناسب و به کارگیری متناسب با محیط از بخش هایی از شهر که به آن فضاهای شهری می گوئیم (فضاهائی همچون پارک ها ، میداين ، پیاده روها ، مراکز تجاری و ...) تأثیر زیادی بر کیفیت زندگی شهر بر جای می گذارد. روش تحقیق حاضر بصورت کتابخانه ای و اسنادی می باشد. این مقاله سعی بر آن دارد تا به بررسی مبلمان شهری از حیثه تاثیرگذاری آن در کیفیت فضاها و محیطهای انسان ساخت خود و سیمای شهری ن پردازد.

واژه های کلیدی: مبلمان شهری، فضا، فضای شهری، سیمای شهر، طراحی شهری

۱- مقدمه

جمعیت شهری در سطح جهان رو به افزایش است و امروزه بیش از نیمی از جمعیت جهان در شهرها ساکن هستند. در برخی از نقاط جهان بخصوص در کشورهای در حال توسعه، این رشد جمعیتی شهرها حاصل مهاجرت بیش از حد از روستا به شهرهاست. که باعث شکل گیری سکونتگاه های غیررسمی در داخل و اطراف شهرستانها، به عنوان "حاشیه نشینی" شناخته شده است که معمولاً بیشتر این مناطق قسمت های پرجمعیت شهری است که با مسکن با کیفیت پایین، عدم وجود فضای زندگی مناسب و خدمات عمومی و ... تا حد زیادی ناامن می باشند. (Marx, 2013) با این حساب بعد از جنگ جهانی دوم، از مسائل عمده کشورهای در حال توسعه، رشد سریع و ناهمگون شهرنشینی بود. رشد مهاجرت روستاییان به شهرهایی بود که هنوز توانایی جذب مهاجرین را نداشتند. این جمعیت نیاز به سرپناهی داشتند و از آنجا که در بازار رسمی زمین و مسکن نمی توانستند نیاز خود را برآورده سازند به بازار غیر رسمی زمین و مسکن روی آوردند و به ویژه در دهه پنجاه آلونک نشینی و حاشیه نشینی را شکل داده و گسترش دادند، تا آنجا که این پدیده امروزه یکی از بزرگترین مشکلات برنامه ریزان